

پرسش ۶۳: «و من الناس من يعبد الله على حرف... الخسران المبين»

السؤال / ۶۳: قال تعالى: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) [99]، ما معنى الآية الكريمة؟

المرسل : ابراهيم رغيل

خداند متعال می فرماید: « و از میان مردم کسی است که خدا را با تردید می پرستد. اگر خیری به او رسد دلش به آن آرام گیرد و اگر آزمایشی پیش آید رخ برتابد، در دنیا و آخرت زیان بیند و این، زیان آشکار است» [100]. معنی این آیه ی کریمه چیست؟

فرستنده: ابراهیم رگیل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

هذه الآية نزلت فيمن يسير مع الحق وهو لا يعرف الحق، فتجده يقدم رجلاً ويؤخر الأخرى، فهو على شك من أمره يجد في الفتنة أو الشبهة عاذراً؛ ليتخلى عن الحق أو ربما ليقف ضده. فهو غير مستعد أن يضحى بماله أو نفسه أو سمعته لأجل الحق الذي يدعي أنه يتبعه، ولو كان إيمانه حقيقياً لزدته الفتنة إيماناً مع إيمانه ولتقدم قبلاً ماله ونفسه في سبيل الحق الذي يؤمن به.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

این آیه در حق کسانی نازل شده است که در مسیر حق حرکت می کنند اما حق را نمی شناسد؛ بنابراین چنین شخصی یک قدم به جلو برمی دارد و به عقب بازمی گردد، در حالی که در شک و تردید به سر می برد و فتنه یا شبهه ای را غدر خویش قرار می دهد و

چه بسا بر ضد حق نیز موضع‌گیری نماید. چنین شخصی آمادگی ندارد که با مال و جان و اعتبار خویش در راه حقی که ادعای تبعیت از آن را دارد، فداکاری کند که اگر ایمان او حقیقی بود، فتنه و آزمایش به ایمانش می‌افزود و با رضایت، مال و جانش را در راه حقی که به آن ایمان دارد، تقدیم می‌کرد.

فلا بد أن يكون الإيمان خالياً من أي طلب للمنفعة الدنيوية، بل ولا بد للمؤمن أن يكون مستعداً لاستقبال أي ضرر دنيوي يكون نتيجة لإيمانه، فإن المؤمن لو كان على قمة جبل ([101])، لقيض الله له من يؤذيه ليؤجر بهذا ويرتفع مقامه، بل إن أكثر الناس بلاءً هم الأنبياء والأوصياء ثم الأمثل فالأمثل ([102]).

بنابراین باید ایمان انسان خالی از هر گونه طلب سود و منفعت دنیوی باشد و حتی فرد مؤمن باید آمادگی هر گونه ضرر و زیان دنیوی که در نتیجه‌ی ایمانش حاصل می‌شود را داشته باشد. فرد مؤمن اگر بر روی قله‌ی کوه باشد ([103]) خداوند کسی را که به او آزار و اذیت برساند بر وی مسلط خواهد کرد تا اجر و مزدی برایش باشد و مقامش ارتقا یابد. کسانی که مبتلا به بیشترین بلاها می‌شوند انبیا و اوصیا و پس از آنها پیروان‌شان به نسبت نزدیکی‌شان به آنها می‌باشند ([104]).

كما لا بد أن يكون الإيمان أقل ما يكون مشوباً بالمادة أو الشك، فلا بد أن يكون الإيمان بالغيب نقياً من الشك، فالإيمان بالآية المادية القاهرة التي لا تؤول لا يقبل، ولو كان يُقبل لقبول إيمان فرعون (وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْياً وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ أَمُنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ) ([105])، فهو يعلن إيمانه وإسلامه بعد أن لمس جدار الماء الذي كان آية لا تؤول، ولكن الله لا يقبل هذا الإيمان الخالي من الغيب؛ لأن الله هو الغيب المطلق (الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ) ([106]). وأيضاً لقبول إيمان الذين كفروا يوم الفتح (قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ) ([107])، ([108]).

همان گونه که ایمان باید کمترین مقدار ممکن به مادیات یا شک و تردید آمیخته باشد، ایمان به غیب باید کاملاً خالی از شک و تردید باشد و ایمانی که بر اثر نشانه‌ای قهری و اجبارآمیز حاصل شود، اعتباری ندارد و مورد قبول واقع نخواهد شد که اگر چنین ایمانی قابل قبول بود، ایمان فرعون پذیرفته می‌شد: «ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیبشان پرداختند. تا آن هنگام که غرق شدن را درک نمود، گفت: ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن که بنی اسرائیل به آن ایمان آورده‌اند، نیست و من از تسلیم شدگانم» ([109])؛ فرعون پس از اینکه دیواره‌ی آب را که آیه‌ای قاهر و غیر قابل تأویل بود لمس کرد، ایمان و اسلام آوردنش را اعلان می‌کند، ولی خداوند چنین ایمانی را که محلی از غیب در آن وجود ندارد، نمی‌پذیرد در حالی که خداوند، غیب مطلق است: «آیا اکنون؟! در حالی که تو پیش از این، عصیان می‌کردی و از مفسدان بودی!» ([110]) و به همین صورت، ایمان کسانی که به روز فتح کفر می‌ورزند، مورد قبول واقع نمی‌شود: «بگو: در روز فتح و پیروزی، ایمان آوردن کافران سودشان نرساند و آنها را مهلتشان ندهند» ([111])، ([112]).

كما أنّ الشك إذا تغلغل في ساحة الإيمان نفى الإيمان، فلا بد أن يعمل المؤمن أن لا يكون فقط ممن سمعوا بالحقيقة أو رأوها، بل لابد أن يكون ممن اکتوا بها، بل وخير الخیر للمؤمن أن يكون ممن احترقوا تماماً بنار الحقيقة حتى يصبح المؤمن هو نفسه الحقيقة وحاکي الحقيقة.

از آنجا که وقتی شک وارد ساحت ایمان شود، ایمان را از بین می‌برد، باید مؤمن تلاش کند تا جزو کسانی که فقط حقیقت را شنیدند یا صرفاً آن را دیدند، نباشد؛ بلکه باید از کسانی باشد که با حقیقت پخته می‌شوند؛ حتی بالاترین خیر مؤمن در آن است که به طور کامل در آتش حقیقت بسوزد تا خود حقیقت و حکایت‌کننده‌ی حقیقت شود.



[99] - الحج: 11.

[100] - حج: 11.

[101] - قال رسول الله (ص): (مازلت أنا ومن كان قبلي من النبيين والمؤمنين مبتلين بمن يؤذينا، ولو كان المؤمن على رأس جبل لقيض الله عز وجل له من يؤذيه ليأجره على ذلك) علل الشرائع: ج 1 ص 45. (المعلق).

[102] - عن أبي عبد الله (ع)، قال: (إن أشد الناس بلاء الأنبياء صلوات الله عليهم ثم الذين يلونهم، ثم الأمثل فالأمثل) بحار الأنوار: ج 11 ص 69. (المعلق).

[103] - رسول خدا (ص) فرمود: «من و انبیای قبل از من و مؤمنین همواره مبتلا به کسانی که ما را اذیت و آزار می کرده اند بوده ایم و اگر مؤمن بر روی قله ی کوهی باشد خداوند عزوجل کسی که به او اذیت و آزار برساند را بر وی مسلط می کند تا به این ترتیب اجری نصیبش شود». علل الشرائع: ج 1 ص 45.

[104] - از ابو عبدالله (ع) نقل شده است: «شدیدترین مردم مبتلا به سختی ها و بلاها، انبیا که سلام خداوند بر آنها باد و سپس اوصیای آنها و پس از آنها پیروان و همانندان آنها هستند». بحار الانوار: ج 11 ص 69.

[105] - یونس: 90.

[106] - یونس: 91.

[107] - السجدة: 29.

[108] - عن إبراهيم بن محمد الهمداني، قال: قلت للرضا (ع): لأي علة أغرق الله فرعون وقد آمن به وأقر بتوحيده؟ قال: (لأنه آمن عند رؤية البأس، والإيمان عند رؤية البأس غير مقبول، وذلك حكم الله تعالى ذكره في السلف والخلف، قال الله عزوجل: (فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ * فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا) وقال عزوجل: (يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا) وهكذا فرعون لما أدركه الغرق قال: (آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ) ف قيل له: (الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ...) بحار الأنوار: ج 6 ص 23. (المعلق).

[109] - یونس: 90.

[110] - یونس: 91.

[111] - سجده: 29.

[112] - از ابراهیم بن محمد همدانی نقل شده است که گفت: به امام رضا (ع) گفتم: چرا خداوند متعال فرعون را غرق کرد در حالی که ایمان آورد و به وحدانیتش اقرار نمود؟ فرمود: «زیرا پس از دیدن عذاب قطعی ایمان آورد و چنین ایمانی مورد قبول واقع نمی گردد و این حکم خداوند متعال در گذشته بوده است و در آینده خواهد بود. خداوند عزوجل می فرماید: «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ * فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» (و چون عذاب ما را دیدند، گفتند: به خدای یکتا ایمان آوردیم و به آن چیزهایی که شریک خدا قرار داده بودیم کافر شدیم * اما هنگامی که عذاب ما را دیدند دیگر ایمانشان برایشان سودی نبخشید) و نیز می فرماید: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا» (روزی که برخی نشانه های پروردگارت آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت) و به همین صورت، وقتی فرعون غرق شدن را درک نمود، گفت: «آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن

که بنی اسرائیل به آن ایمان آورده‌اند، نیست و من از تسلیم شدگانم) و در جواب به او گفته شد: «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (آیا اکنون؟! در حالی که تو پیش از این، عصیان می‌کردی و از مفسدان بودی!)». بحار الانوار: ج 6 ص 23.